



ادراك پيونگك يانگك از حمله به ايران

تحليلی از سیدنی سیلر مسئول سابق بخش کره شمالی در شورای امنیت ملی آمریکا



ترخیص کالا بدون تامین اعتبار

ارزیابی کارشناسان از بخشنامه دولت که منجر به حذف برخی از موانع گمرکی از ۱۲ تیر تا ۱۲ مرداد شده است



عاشق ایران هستم

بررسی حواشی ایجاد شده جام جهانی باشگاهها در گفت و گو با علیرضا فغانی



که گرما سخت سوزان است

بررسی وضعیت هوا و میزان تابش اشعه ماوراء بنفش در پایتخت

پیشگام چپ جدید

لولای چرخش راست به چپ

اهمیت احمد توکلی در مناسبات سیاسی پس از انقلاب چه بود؟



محمد جواد روح

«سال ۷۱ تنش اجتماعی مشهود، اسلامشهر، قزوین، شیراز و اراک به وقوع پیوست و آقای هاشمی تکان خورد. با جسارت ماشین را پارک کرد، ترمز دستی را کشید و عقب رفت و سیاست‌های تثبیت را دنبال کرد... این حسن آقای هاشمی محسوب می‌شود؛ زیرا وقتی متوجه می‌شد یک روش نتیجه‌بخش نیست و جواب نمی‌دهد، جرأت بازگشت از آن رویه و روش را نیز داشت.»

حسینی که احمد توکلی در این جملات برای هاشمی‌رفسنجانی برمی‌شمرد؛ خود چندان از آن بهره نداشت. به‌ویژه در حوزه اقتصاد. او با آنکه بیش از دوده آثار سیاست‌های تثبیت قیمت‌های مجلس هفتم (که توکلی پرچم‌دار آن بود) را دید و به ناترازی‌های امروز رسید، اما از تصور خود دست نکشید و همچنان، در مقام رد و نفی سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی و انتقاد از تداوم آن از سوی دولت‌های خاتمی و روحانی برمی‌آمد. این باور به نادرستی سیاست‌های اقتصادی پس از جنگ، اما برای توکلی فراتر از یک اختلاف و تعارض در حوزه مباحث اقتصادی بود. «سیاست‌های مبتنی بر عدالت توزیعی» و «هشدارها و دیده‌بانی‌ها درباره مصادیق فساد اقتصادی»، دورویگردی بود که هویت سیاسی و فکری توکلی را هم شکل می‌داد. در واقع، توکلی بدون این دو سخن، وزن و جایگاه چندان در صحنه سیاسی ایران پیدا نمی‌کرد. او گرچه از همان دهه ۱۳۶۰ در تقسیم‌بندی‌های سیاسی در اردوگاه جناح راست جای داشت و به همین جهت نیز بود که بیرق جدایی از دولت میرحسین موسوی را افراشت؛ اما در بسیاری از مواضع و رویکردهای سیاسی و اقتصادی‌اش به تدریج نوعی استقلال پیدا کرد و از چتر گفتمانی رسمی جناح راست خارج شد. رقابت او با هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۲ که پس از دوره اول، نخستین دوره‌ای بود که وجهه‌ای نسبتاً قابلیت‌پیدامی کرد؛ نشانه بارزی از این استقلال سیاسی بود. در واقع، توکلی با حضور در آن دوره انتخابات، صرفاً در مقام نامزد رقیب و منتقد صریح هاشمی‌رفسنجانی و سیاست‌های دولت اول او (به‌ویژه تعدیل اقتصادی) ظاهر نشد. حضور توکلی در آن انتخابات از منظر جریان‌شناسی سیاسی، اهمیت خاص‌تری داشت. حضور توکلی در آن انتخابات، نشانه تولد گفتمان و جریانی از بطن جناح راست سنتی بود که گرچه در دامان روحانیت و بازار پرورید؛ اما فرزندی بود که نمی‌خواست راه پدر را برود. توکلی، پیشاهنگ چپ‌روی فرزندان جناح راست بود. لولای بود برای یک چرخش تاریخی. از راست به چپ و از سنتگرایی به عوام‌گرایی، توکلی و چند تن دیگر (همچون عماد افروغ و محمد خوش‌چهره و ابیاس نادران) که بعدها در مجلس هفتم، حلقه‌ای نزدیک را شکل دادند؛ نمایندگان اصیل و اصلی این چرخش بودند. نمانده‌های واقعی جریانی که «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب، در اوایل دهه ۱۳۷۰ از آن به‌عنوان «چپ جدید» نام می‌برد و اعتقاد داشت این جریان، حتی قابلیت ائتلاف با «چپ سنتی» (جریان خط امام) را دارد؛ چراکه بر خلاف راست سنتی که از منظر «عصر ما» نه به عدالت اعتقاد داشت و نه به آزادی، دست‌کم به عدالت معتقد بود.

کارنامه سیاسی احمد توکلی با گفتارها و نوشتارهایی از: غلامحسین کرباسچی، علی مطهری، صادق زیبا کلام، ناصر ایمانی، مهرداد خدیو

یادنامه سیاست ۲۵

سرمقاله

خطرناک‌تر از ب ۲

ایالات متحده در حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران با ترکیبی از آخرین و پیشرفته‌ترین تجهیزات تمامی خود شامل ۷ فروند بمب افکن‌های رادارگریز ب ۲، و ۱۲۵ فروند از جنگنده‌های رادارگریز اف ۲۲ و اف ۳۵ در نقش پشتیبان و اسکورت، و همچنین با تاکتیک‌های فریب هوایی، و با شلیک ۱۴ بمب فوق‌سنگرشکن ده‌تنی و ۳۰ موشک تام‌هاوک دریایی، و در مجموع از ۷۵ تسلیحات هدایت دقیق از هوا و دریا استفاده و عمل کردند و بدون هشدار قبلی وارد حریم ایران شدند و تاسیسات هسته‌ای را هدف قرار دادند. مقامات آمریکایی مدعی شده‌اند که آسیب‌های قابل توجهی زده‌اند. بمب افکن‌ها مستقیماً از ایالات متحده پرواز کرده و به اینجا آمدند و بدون فرود دوباره به پایگاه خود بازگشتند. ظاهراً توصیف خطرناکی است. زبان بار بود ولی خیلی جای نگرانی ندارد. آنها چند پایگاه را تخریب کردند که ابعاد تخریبی آن نیز هنوز معلوم نشده است و فرض کنیم در بدترین حالت صد درصد ویران و غیرقابل استفاده شده باشد. با همه اینها فراموش نکنیم این بمب افکن‌ها قادر به ایجاد ناترازی گاز و برق و آب و ارز و بودجه و فرهنگ و سیاست ایران نیستند. عامل دیگری ریشه همه این بدبختی‌هاست که هزار بار از این تسلیحات مدرن و پیشرفته مذکور خطرناک‌تر و ویرانگرتر است. این عامل بسیار خطرناک، شکاف و ناترازی میان قدرت و مسئولیت است. سلاح خودویرانگری که ب ۲ به گرد پای آن هم نمی‌رسد. تقریباً همه مردم وضعیت کشور را می‌دانند. ناترازی‌های جدی در مهم‌ترین کالاها و خدمات و حتی آب شهری به مراحل بحرانی رسیده است. چشم‌انداز روشنی از آینده پیش روی جامعه نیست. حتی آتش‌بس هم اصطلاح درستی برای این وضعیت نیست. هر آن می‌تواند شعله‌های جنگ دوباره زبانه بکشند، و تصور وضعیت عمومی جامعه در چنین شرایطی سخت نیست. در سوی مقابل ایران، یک جانی قرار دارد که حتی آمریکایی‌ها هم به دیوانگی او اقرار کرده‌اند و او حاضر است برای فرار از دادگاه و محکومیت باقی ماندن در پست نخست‌وزیری اسرائیل، هر روز جنگی را به راه اندازد و مترصد آتش‌افروزی دوباره است. در این شرایط، آقای عراقچی در گفت‌وگو با مهم‌ترین رسانه رسمی منسوب به جمهوری خواهان آمریکایی مطالبی را اظهار داشته تا هم فشار را از روی ایران بردارد و هم امکان نزدیکی بیش از این، میان ترامپ و نتانیاهو را کمتر کند و اجازه ندهد که پیش از روشن شدن فضای گفت‌وگوهای احتمالی، دوباره جنگ شود. این مواضع موجب شد تا عده‌ای بدون مسئولیت ولی از جایگاه قدرت و در داخل کشور هجوم گسترده‌ای را علیه سخنان آقای وزیر خارجه آغاز کنند. کسانی که ذره‌ای مسئولیت‌پذیری در برابر کوچکترین مسئله مردم ندارند. آقای وزیر هم برای جبران خرابکاری‌های این گروه مجبور شده است اقدامات آنان را به نحوی لاپوشانی کند و این جماعت به جای مسئولیت‌پذیری و تشکر، اقدام به حمله علیه وزیر خارجه کرده‌اند. این خط روشن است که از کجا آب می‌خورد و به سود کیست؟ برنده اصلی این خط، نتانیاهوست. اکنون باید متوجه شده باشیم خسارتی که این افراد فاقد مسئولیت و از موضع قدرت به کشور می‌زنند، قابل مقایسه با خسارات ب ۲ نیست. خسارات ب ۲ روشن و محدود و مقطعی و حتی قابل ترمیم و جبران‌پذیر است. خسارتی است که از طریق جنگ به کشور تحمیل می‌شود. ولی خسارات این گونه افراد از درون و مداوم است و بی‌اتنهاست.

طرح: مهدی قربانی تبار